



(مقاله پژوهشی)

نقش آسیب‌های دنیاگرایی در تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه

محسن ورمزیا^۱، علی حسین احتشامی^{۲*}، منصور خوشخویی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

(از ص ۱۳۹ تا ۱۵۶)

چکیده

از جمله روش‌های شناخت آسیب‌ها و موانع تربیت معنوی، عمل به دستورالعمل‌ها و سفارش‌های امام علی (ع) است که خود پله‌های بالاترین درجات کمال و معنویت را پیموده و آسیب‌ها و موانع آن را به وجه احسن از سر راه خود زدوده است. تربیت معنوی پروراندن و رشد میل فطری انسان به پروردگار و تعالی بخشی ملکات نفسانی است. مقاله پیش‌رو درصدد است با بهره‌مندی از آموزه‌های امام علی (ع) به روش توصیفی تحلیلی نقش آسیب‌های دنیاگرایی در تربیت معنوی را مورد بررسی قرار دهد. با واکاوی آموزه‌های نهج البلاغه معلوم می‌شود که مهم‌ترین آسیب تربیت معنوی دنیاگرایی است. دنیاگرایی مانع نیل انسان به مراتب کمال، رشد و تربیت معنوی بوده و باعث غفلت انسان از جایگاه انسانی خود خواهد شد. نتایج پژوهش نشان داد که عواملی همچون لذت‌طلبی افراطی، حب دنیا، اشرافی‌گری کارگزاران حکومتی، انکار معاد، عطش تشنگان دنیا، مستی ناشی از نعمت، نیرنگ‌بازی دنیا و آزمندی زمینه دنیاگرایی را فراهم نموده و عوارض جبران‌ناپذیری را برای تربیت معنوی انسان به بار می‌آورد. هدف نهایی دین تربیت معنوی انسان و تعالی روحی او است. با تأمل در مقتضیات چنین تربیتی به آسیب‌های دنیاگرایی در تربیت معنوی پی می‌بریم.

کلید واژه‌ها: دنیا، دنیاگرایی، تربیت معنوی، نهج البلاغه.

۱. دانشجوی دوره دکترای تخصصی الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۱. مقدمه

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین برای سعادت انسان، توجه ویژه‌ای به مسأله تربیت داشته است. تربیت معنوی یکی از بارزترین سرمایه‌هایی است که رسیدن به سعادت جز از مسیر آن محقق نخواهد شد. شخصیت امام علی(ع) یک الگوی عالی تربیتی است، حتی زندگی او به‌منزله یک مکتب بزرگ تربیتی است؛ گفتار، کردار و اندیشه‌های پیشوای بزرگ ما جنبه تربیتی دارند. او نه تنها با الهام از مکتب اسلام، ارزش‌های عالی انسانی را مطرح نموده، بلکه خود در زندگی الگوی عالی این ارزش‌هاست؛ بنابراین نهج‌البلاغه نیز در مجموع یک کتاب تربیتی است که با مطالعه آن فرد می‌تواند خود را بشناسد و با جهان‌شناسی الهی آشنایی پیدا کند و وظیفه خود را در برابر خدا تشخیص دهد، رابطه خود را با هم‌نوعان با توجه به ضوابط و معیارهای اسلام استحکام بخشد. از دیدگاه امام علی(ع) دنیاگرایی از جمله مؤثرترین موانع تربیت معنوی به‌حساب آمده است. دنیا که مرحله نازل هستی و نماد نازل‌ترین مراحل وجود است، پدیده شگفتی است که تا از منظر حق و بصیرت نگاه نشود، قطعاً شناخت، تقابل و تعامل با آن غیرممکن و چه‌بسا موجب خسران در تربیت معنوی انسان می‌گردد. از جمله آفت‌هایی که تربیت معنوی جوامع اسلامی را مورد تهدید قرار داده، دنیاگرایی است. قرآن مجید، به‌کرات نسبت به فریب‌کاری دنیا انداز نموده است و این ویژگی از طرف رسول خدا(ص) به‌عنوان عامل لغزش‌ها و کجروی‌های انسان معرفی شده است. «خُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۸/۲) و در کلام امام علی(ع) این پدیده خطرناک از جمله بزرگ‌ترین خطاها به‌حساب آمده است. «أَعْظَمُ الْخَطَايَا خُبُّ الدُّنْيَا» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۳۹۸/۲) و آثار سوء آن از طرف حضرتش در خطبه‌ها و نامه‌هایش یادآوری شده است.

۱-۱. بیان مسأله

در سیره تربیتی امام علی(ع) نکات سودمندی در مورد تربیت معنوی و موانع آن بیان گردیده است. از نگاه امام علی(ع) دنیا و دنیاگرایی از جمله مؤثرترین موانع تربیت معنوی به‌حساب آمده است که آفت‌های بسیاری را در پی خواهد داشت. این پژوهش سعی دارد به روشنگری درباره آفات توجه به دنیا و دنیاگرایی و تأثیر آن در تربیت معنوی از نگاه امام علی(ع) بپردازد تا رهروان امام(ع) آثار سوء دنیاگرایی را مورد توجه قرار داده و از مسیر رشد و تعالی که موجب سعادت انسان می‌گردد خارج نشده و در طریق سعادت حرکت کنند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه آسیب‌ها و مضرات توجه به دنیا و دنیاگرایی چیست؟ و از درون سؤال اصلی، این پرسش مطرح می‌شود که در نهج‌البلاغه برای بهره‌گیری از تربیت معنوی و حرکت به‌سوی رشد و تعالی انسان الهی، آفت‌های دنیا و دنیاگرایی چگونه مانع این رشد و حرکت خواهند شد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون صرفاً موانع تربیت معنوی به‌صورت اختصاصی و با نگاه به نکات تربیتی نامه امام علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) صورت گرفته است. لذا براساس آموزه‌های علوی پژوهشی به‌طور مستقیم انجام نگرفته، اما نزدیک به این موضوع تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود.

اکبری و فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه دنیاگرایی و سلامت روانی» در مجله روانشناسی و دین شماره ۷ (صفحات ۱۰۵-۱۴۴) انجام داده است. این مطالعه با هدف تبیین دنیاگرایی و سلامت روانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داده که بین دنیاگرایی و سلامت عمومی و نیز بین دنیاگرایی و سه عامل از عوامل سلامت عمومی (اختلال در علائم جسمانی، ضریب اضطراب، افسردگی) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ یعنی هر کس دنیاگرایی بالایی داشته باشد، اختلالات روانی او مانند اضطراب، افسردگی و اختلال در علائم جسمانی او نیز بالا است. در مقاله دیگری به قلم ادیانی، سید علیرضا، (۱۳۹۱) با عنوان «سیمای دنیا و دنیاگرایان در آئینه نهج البلاغه» در مجله حصون شماره ۳۶ (صفحات ۸-۲۲) با هدف شناخت دنیای مذموم و نیز سفارش مسلمانان به پرهیز از دنیای مذموم انجام داده است. با مطالعه پژوهش‌های یادشده ملاحظه می‌شود که اگرچه مطالعاتی که درباره‌ی دنیاگرایی در حوزه معارف اسلامی انجام شده، حول محور قرآن کریم و روایات بوده است؛ اما از یکسو، بعضی از این مطالعات به طور ویژه به دیدگاه‌های امام علی(ع) و کتاب شریف نهج البلاغه نپرداخته‌اند و از سوی دیگر، استنتاج آثار دنیاگرایی در این پژوهش‌ها یافت نمی‌شود؛ اما براساس اهمیت و ضرورت موضوع و نیز اهمیت دیدگاه‌های امام(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، پژوهش پیش‌رو می‌کوشد به تحلیل آسیب‌های دنیا و دنیاگرایی در تربیت معنوی از منظر امام علی(ع) پرداخته شود. مقصود از انجام این پژوهش این است که در کتاب سترگ نهج البلاغه موانعی بر سر راه تربیت معنوی وجود دارد که یکی از این موانع مؤثر دنیا و دنیاگرایی است که در این پژوهش به معرفی و تبیین این آفت‌ها می‌پردازیم.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پژوهش حاضر آن است که چون معارف بی‌بدیل نهج البلاغه تلطیف شده حقایق قرآنی بوده و از یک جامعیت خاصی در همه حوزه‌های معرفتی برخوردار است، لذا شایسته است آموزه‌های علوی در بالاترین سطح به‌عنوان میزان معارف معنوی جهت ارتقاء سطح تربیت معنوی انسان خدامحور قرار گیرد. از آنجایی که مسئله تربیت معنوی در سعادت انسان نقش بسیار مؤثری ایفا می‌نماید، لذا استنباط و تدوین وظایف انسان معنوی و رفع آفت‌ها و موانع موجود با استفاده از کلام امام علی(ع) نقش اساسی در ایجاد تربیت معنوی برای رسیدن به کمال و سعادت خواهد داشت.

۲. بحث

۲-۱. تعریف تربیت معنوی

در تعریف تربیت، باید بین نگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان، تفکیک قائل شویم. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قابل‌ذکر در این مورد این است که در روش‌های تربیتی در اندیشه غیردینی، غالباً از روش‌های بیرونی استفاده می‌کنند. منظور از روش‌های بیرونی، روش‌هایی است که از بیرون بر تربیت‌شونده تأثیر می‌گذارند و در این بین به فطرت که ودیعه‌ایست در اندرون انسان توجهی ندارند. به‌عنوان نمونه آلبرت

باندورا^۱ «معتقد است که یادگیری براساس تأثیرات فیزیولوژیک و تجربه است و نقش عامل فطری را در تعلیم و تربیت قبول ندارد» (باندورا، ۱۳۷۲: ۱۲).

اما خواجه‌نصیرالدین طوسی تربیت را ایجاد ملکات در انسان از طریق عادت می‌داند، در کتاب اخلاق ناصری می‌نویسد: تربیت، صفتی است که باید از طبیعت پیروی کند تا کمال موجود را بتواند ظاهر سازد. طبیعت به منزله استاد است و صناعت به متابت متعلم و تلمیذ؛ و چون کمال هر چیزی در تشبیه او بود به طبیعت و تشبیه او به طبیعت چنان باشد که در تقدّم و تأخّر اسباب و وضع هر چیزی به جای خویش و به تدریج و ترتیب نگاه‌داشتن، به طبیعت اقتدا کند تا کمالی را که قدرت الهی در طبیعت وجود دارد، به طریق تسخیر متوجه آن گردانیده است، از آن تدبیر حاصل آید و تهذیب اخلاق و اکتساب فضایل، که ما به مدد معرفت آن آمده‌ایم، امری صناعتی است و در آن باب، اقتدا به طبیعت لازم بود (طوسی، ۱۳۶۰: ۱۴۲).

غزالی در تعریف «تربیت» آورده است: «مرّبی باید اخلاق بد از وی (آدمی) بستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنی تربیت این است.» (غزالی، ۱۳۵۲: ۱۹۷).

علامه جعفری نیز تربیت را نوعی انتقال می‌داند؛ اما نه انتقال علم، بلکه انتقال خود فرد، یعنی کودک و نوجوان و حتی شخص میانسال و بزرگسال از حیات طبیعی محض به حیات معقول منتقل شود. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

با دقت در این معانی درمی‌یابیم که تربیت فرایندی پیوسته است که روند آن از آغاز انعقاد نطفه در رحم مادر شروع و تا زمان مرگ ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر انسان در سراسر زندگی در حال یادگیری و کسب تجربه عمدی و غیرعمدی است و تحت تأثیر متقابل محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار می‌گیرد.

معنویت از ریشه یونانی و عبری spirit گرفته شده است. این لغت در فرهنگ آکسفورد^۲ به معنای نیرو، انرژی، حیات‌بخش و پروراندن به کار رفته است. (آکسفورد، ۲۰۰۶: ۲۹۶۰) معنویت که ریشه در واژه لاتین «اسپریتوس» به معنی نفس حیات دارد، یک شیوه بودن و تجربه کردن «زندگی» است. (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۶) دشواری‌های ناشی از ابهام و پیچیدگی مفهوم «تربیت معنوی» موجب شده است که این مفهوم و مفهوم «تربیت دینی» عموماً به جای یکدیگر به کار برده شوند و بنابراین، خلط این دو مفهوم، تعریف «تربیت معنوی» را دشوار نموده است. (یداللهی‌فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۰۵)

در جدول (۱) مهم‌ترین تعاریف تربیت معنوی براساس تحقیقات مطالعه شده است.

1. Albert bandura
2. Oxford

جدول ۱: تعاریف موجود از معنویت براساس تحقیقات مطالعه شده

نهاد انسان به گونه‌ای است که میل و معرفتی فطری به پروردگار خویش دارد. به واقع تربیت معنوی، پروراندن و تعالی بخشی همان میل و شناخت قدسی و شکل بخشیدن ملکات نفسانی است.	اشعری، باقری و حسینی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵
در نگرش دینی، تربیت معنوی را این گونه تعریف می‌کنند: «پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و آنچه فراتر از ظاهر دنیا قرار دارد و رهایی از تعلقات مادی برای حرکت به سوی خدای یگانه و قرار گرفتن در ولایت او»	(میرعرب، ۱۳۹۲: ۱۴۳)
اگر تربیت معنوی را همان هدایت به نور بدانیم، تربیتی است که با زدایش موانع دستیابی به سرچشمه هستی، راه اتصال به آن را هموار می‌نماید.	(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۶/۲)
مرکز تربیت معنوی روح و دل آدمی است و دقیقاً آنچه تربیت معنوی با رویکرد دینی را از رویکردهای غیردینی جدا می‌سازد، توجه به اهمیت و جایگاه ویژه روح آدمی است.	(سلحشوری، ۱۳۹۰: ۵۴)
معنویت یک کیفیت روانی است که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد و در انسان ایجاد انگیزه می‌کند و احساساتی مثل درک هیبت الهی و احترام به خلقت را در شخص به وجود می‌آورد.	(موری و زینتر به نقل از شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۰)
معنویت از وجودی نشأت گرفته است که از ویژگی‌های فیزیکی و مادی فراتر می‌رود؛ مانند تفکر، احساس و اراده. به بیان دیگر، ناشی از وجودی است که ظرفیت فرارفتن از خود را دارد.	(هیل ^۱ ، ۱۹۹۰: ۸-۹)
پاسخ انسان به مهر و محبت خداوندی و تجربه‌ای فاعلی از امری مقدس	(واثوقان ^۲ ، ۱۹۹۱)

اهمیت و ضرورت تربیت معنوی در قرن حاضر، به دلیل بروز و گسترش مشکلات جمعی از قبیل خشونت، عدم امنیت، تنهایی، احساس درماندگی و بی مقصودی، آرام و قرار از قلب‌ها سلب شده است؛ و چاره‌ی رفع این بی‌قراری، معنویت است که منجر به آرامش می‌شود (کولی^۳، ۱۹۸۴: ۱۴).

تعریف واحدی درباره مفهوم تربیت معنوی وجود ندارد. مهم‌ترین عامل در تفاوت و تعدد این دیدگاه‌ها ناشی از وجود دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم معنویت و تنوع دیدگاه‌ها درباره این مفهوم ناشی از نوع رابطه آن با مفهوم دین است. (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴) با توجه به تعاریف، معنویت یک موضوع پیچیده، مبهم و کلی است که نیاز به بررسی و تحلیل بیشتر دارد.

۲-۲. مفهوم دنیاگرایی

مقصود از دنیاگرایی توجه به دلبستگی‌های دنیوی و ترجیح دادن دنیا و لذا یذ آن بر آخرت است. بر همین اساس در قرآن برتری دادن زندگی دنیا بر آخرت، یکی از ویژگی‌های انسان‌های کفرپیشه شمرده شده است. ﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْأٰخِرَةِ وَ يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا ۗ اُولٰٓئِكَ فِي ضَلٰلٍۭ بَعِيْدٍ﴾ (ابراهیم/۳).

1. Hill
2. Vaughan
3. Cully

عامل دنیا‌گرایی که خود جامع عوامل آسیب‌زای متعدد و تأثیرگذار بر تربیت معنوی انسان است، نقش مهم و کلیدی در ابتلای انسان به بیماری‌های مختلف روحی و روانی دارد. مقصود از دنیا‌گرایی که به‌عنوان منشأ انحراف و لغزش‌ها و مهم‌ترین آفت معنویت‌گرایی معرفی شده، آن است که انسان با غفلت از این که دنیا تنها یکی از مراحل حیات وی هست نه همه آن، دنیا را منزل، معبود، معشوق و فرمانده زندگی خود قرار دهد و اسیر مرکب و نیروی تحت فرمان دنیا گردد و به‌گونه‌ای تعلق خاطر و وابستگی به دنیا پیدا کند که ملاک و معیار او در همه صحنه‌های زندگی معنویت دنیوی و مادی باشد؛ اما هرگاه دنیا که تجارت‌خانه و بازار مزرعه و محل کشت و کار و جاده‌ای به سوی ابدیت انسان و فرصتی تلقی شود که می‌توان از حیات همراه با آن رستگاری انسانی را تضمین کرد، بهترین نعمت خداست. لذا پس از سپری شدن دنیا و در صحنه قیامت و در زمان برداشت حاصل و در یوم الحسرة، قالب انسان‌ها حسرت و افسوس از دست دادن دنیا را می‌خورند که چرا از این فرصت و نعمت بزرگ استفاده و بهره بیشتری نبردند، حاصل آن که به فرموده پیامبر خدا(ص): «این دنیا است که برای انسان خلق شده است و دنیا نیز برای آخرت آفریده شده است» (ابن‌ابی‌فارس، ۱۴۱۰: ۱۳۱/۱) در مورد ارزش دنیا و استفاده بهینه از آن در مسیر آخرت، آیات متعددی از قرآن نیز به آن اشاره داشته و به آن توجه داده است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن (قصص/۷۷). خداوند در آیات گوناگون (بقره/۲۴۵ و ۱۱۲؛ نساء/۲۲۹ و ۱۲۸؛ فاطر/۲۹؛ حدید/۷۱۱؛ ذاریات/۱۲۸) مؤمنان را به انفاق، اطعام، ایثار، قرض‌الحسنه، جهاد مالی، خمس، زکات، صدقه توصیه نموده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۲/۵).

اصطلاح دنیا غالباً در معنای اصلی خود، یعنی عالم طبیعت و جهان هستی به کار می‌رود، همان‌گونه که در روایات ما از آن با عبارات «مزرعه آخرت» «محل تجارت اولیای الهی» و یا «سجده‌گاه دوستان خدا» یاد شده است. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته دنیای مذموم است که عامل انحراف و موجب تباهی و فساد ایمان و آخرت انسان‌هاست که همواره مورد نکوهش اولیای دین بوده است. از نگاه امام(ع) دنیا فقط مورد نکوهش قرار نگرفته است، بلکه گاهی هم در کلمات ایشان، دنیا جنبه مثبت دارد؛ مانند تذکردهندگی دنیا، صداقت‌نمایی دنیا، پنددهندگی دنیا، محل عبادت دوستان خدا، محل نزول وحی الهی و جای دادوستد دوستان خداست که رحمت خدا را به دست می‌آورند و بهشت نصیبشان می‌شود (خطبه/۱۳۱). براساس آموزه‌های امام(ع) دنیا می‌تواند دو نقش مثبت و منفی، داشته باشد، هم می‌تواند مایه تربیت و سازندگی باشد و هم می‌تواند مایه نابینایی و گمراهی شود. اگر انسان با چشم بصیرت به دنیا نگاه کند به او درس و پند می‌دهد و وسیله نجات و صعود در کمالات روحی و معنوی می‌گردد؛ و نیز دنیا می‌تواند انسان را کور کند و بر روی چشم حقیقت‌بین او پرده افکند و وسیله هلاکت و نابودی‌اش گردد. در سیره عملی ائمه نیز فعالیت‌های اقتصادی و کسب روزی حلال مورد توجه قرار گرفته و خود آن حضرات در کنار عبادت برای به دست آوردن رزق حلال کار می‌کردند.

۲-۳. نکوهش دنیاگرایی

دنیا و دنیاگرایی در آموزه‌های امام علی(ع) به کرات مورد نکوهش قرار گرفته است و بی‌اعتباری و رذالت آن در قالب مثال‌های زیبایی تبیین گردیده است. از جمله فرموده است: «دنیای شما نزد من خوارتر است از عطسه (آب بینی) بز ماده» (حکمت/۲۳۶)؛ «مثل دنیا همچون مار است، پوست آن نرم و درونش زهر مرگبار است، فریفته نادان به آن عشق می‌ورزد و خردمند دانا از آن بر حذر می‌باشد. (خطبه/۳) «و همانا این دنیای شما نزد من خوارتر و پست‌تر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن را می‌جود». (حکمت/۲۳۶) امام(ع) در نکوهش دنیاپرستی فرموده‌اند: ریشه کلمه «دنیا» از «دنی» و «دنائت» است، یعنی دنیاطلبی به پستی ختم می‌شود. این دیدگاه امام(ع) به دنیا نشان‌دهنده این نکته است که دنیا ابزار بهره‌مندی برای آخرت قرار نگیرد لذا اگر دنیا پلی برای رسیدن به آخرت باشد به سعادت و رشد معنوی ختم می‌شود و آن موردستایش می‌باشد. همان‌طور که پیامبر خدا(ص) فرمود: «دنیا مزرعه آخرت است» (ابن‌ابی‌فارس، ۱۴۱۰: ۱۸۳/۱).

اصطلاح دنیا غالباً در معنای اصلی خود، یعنی عالم طبیعت و جهان هستی به کار می‌رود، همان‌گونه که در روایات ما از آن با عبارات «مزرعه آخرت» «محل تجارت اولیای الهی» و یا «سجده‌گاه دوستان خدا» یاد شده است. آن‌چه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته دنیای مذموم است که انحراف، تباهی و فساد ایمان و آخرت انسان‌ها از آفات آن است که مورد نکوهش اولیای دین قرار گرفته است؛ و اما این‌که چه چیز دنیا نامطلوب است و چرا مورد نکوهش واقع شده است؟ جواب اجمالی آن این است که آنچه نامطلوب است دل بستن به دنیا و دنیا را به جای آخرت گرفتن است، نه این‌که وجود دنیا شر باشد. آنجایی که محل تجارت اولیاءالله و مزرعه الاخره هست، بد نیست. این‌که ما دنیا را به جای مطلوب اصلی بگیریم و راه را به جای مقصد و وسیله را به جای هدف بپذیریم مذموم است و البته مذمت به ما برمی‌گردد نه به وجود دنیا.

۲-۴. حبّ دنیا؛ اساس همه فتنه‌ها

علم به منبع دنیادوستی نقشی مهم در مقابله با آفت خطرناک آن دارد. بر همین اساس اگر جامعه‌ای یا شخصی به‌راستی به دنبال درمان خود از این بیماری باشد، باید ببیند که منبع آن کجاست. از امام صادق(ع) این حدیث قدسی نقل شده است که خدای متعال به حضرت موسی(ع) فرمود: «ای موسی بدان هر فتنه‌ای در عالم واقع شود بذر و تخمش حبّ دنیاست» (مجلسی، ۱۳: ۳۰۳/۱۴۰۳) در کتاب غررالحکم، ده‌ها حدیث از کلمات قصار امیرالمؤمنین(ع) در مذمت حبّ دنیا نقل شده است. در یکی از آن‌ها حضرت می‌فرماید: «حُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمَحَنِ» (رأس و اساس همه فتنه‌ها حب دنیاست و اصل همه محنت‌ها و بلاها هم حبّ دنیاست) (آمدی، ۱۳۷۵: ۳۴۸). بلاهایی که به انسان رو می‌آورد برای این است که تعلق به دنیا دارد و خواسته‌اش نسبت به دنیا فراهم نشده است؛ مسایل برخلاف میل و علاقه‌ای که به دنیا دارد، پیش رفته است، این است که ناراحت می‌شود. مصیبت برای چنین کسی به معنای از دست‌دادن چیزی است که موجب لذت دنیاست. پس اصل محنت‌ها حبّ دنیاست. به همین جهت آن‌هایی که به دنیا علاقه ندارند، از بلاها و مصیبت‌ها خیلی ناراحت نمی‌شوند. استرس‌ها، فشارها، اضطراب‌ها و بیماری‌های روانی

همه برای کسانی است که به دنیا دلبستگی دارند. وقتی تعلق به دنیا نباشد ناراحتی هم پیدا نمی‌شود و این بیماری‌ها و محنت‌ها هم به دنبالش پیش نمی‌آید. در سخنی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است که فرموده‌اند: «إِنَّكَ لَنْ تَلْفَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا» (تو هرگز خداوند سبحان را با کاری زیانبارتر از دنیا دوستی دیدار نخواهی کرد) منظور این است ای انسان تو که خدا را ملاقات می‌کنی ممکن است چیزهایی داشته باشی که به حالت مضر باشد؛ گناهی کرده‌ای و در قیامت وقتی وارد آن عالم می‌شوی، به تو ضرر می‌زند. ولی هیچ چیز نیست که ضررش به اندازه حب دنیا باشد. آن که بیشتر تو را از رحمت خدا دور و از لقای الهی محروم می‌کند، حب دنیا است (همان: ۲۶۷).

همه انسان‌ها کم‌وبیش دلبستگی‌هایی به لذت‌های دنیا دارند و به این رذیلت مبتلا هستند. حال باید چه کنیم تا بتوانیم خود را از آن خلاص کنیم؟ ابتدا انسان باید باور کند که این‌ها به ضررش تمام می‌شود. وقتی این را باور کرد درصدد برمی‌آید که با آن به صورت جدی مبارزه کند و خودش را خلاص کند. تا باور نکرده‌ایم که این واقعاً برای ما ضرر دارد، طبعاً اراده جدی برای مبارزه با آن پیدا نمی‌کنیم.

۲-۵. انکار معاد

بی‌شک، ایمان به معاد تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در اعمال معنوی انسان‌ها. از میان عقاید دینی، اعتقاد به معاد یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی، تربیت و اصلاح اوست. از طرفی انکار معاد آثار زیان‌بار زیادی دارد که دل‌خوشی به زندگی دنیا از مهم‌ترین این آثار است. از جمله آفت‌های خطرناک دنیاگرایی دلبستگی به مظاهر دنیا و انکار آخرت است. با توجه به این‌که انسان طبیعتاً موجودی است که نسبت به مظاهر زیبای دنیا حریص است و در صورتی که امکان بهره‌برداری از لذایذ مادی برایش فراهم نشود عنان از دست داده و چه بسا از انکار آخرت سر در می‌آورد و ارزش‌های انسانی را به فراموشی سپرده و حتی حاضر می‌شود با پایمال کردن حقوق دیگران به امکانات و رفاه بیشتری از مظاهر دنیا دست پیدا کند. احادیث و روایات زیادی از معصومان: مبنی بر نفی دلبستگی به دنیا وارد شده که به یکی از آن‌ها اشاره می‌گردد. از امام علی (ع) نقل شده است: «اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَطَلَّكُمْ، وَ كُونُوا قَوْمًا صِيحَّ بِهِمْ فَانْتَبَهُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ» (خطبه/۶۴) (آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی باشید که بر آن‌ها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند. خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا نگذاشت میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست).

علاقه و دلبستگی از عوامل تأثیرگذار قوی بر بینش و فکر انسان است. انسان اگر به چیزی دلبستگی داشت، نسبت به مخالف و ضد آن نفرت پیدا می‌کند و علاقه و دلبستگی‌اش باعث می‌شود که عیب‌های مطلوبش را نبیند، بلکه عیب‌های مطلوبش در نظر او زیبایی و جمال جلوه کند. انسان کامیاب و بهره‌مند از نعمت‌های دنیا نیز چنان، به آنچه دارد دل بسته و مسرور می‌گردد که بدون تعقل و تدبیر نقص مهم ناپذیری آن‌ها را نمی‌بیند و آن‌ها را جاودانه پنداشته و به انکار آخرت می‌پردازد.

عشق به دارایی‌ها، آرزوی رسیدن به مطلوب‌ها و خوف از دست دادن‌ها، انسان دنیاگرا و بهره‌مند را به سوی انکار آخرت سوق می‌دهد.

براساس سخن امام(ع) و آنچه از آن فهمیده می‌شود دنیاگرایی و حب دنیا عامل و آفتی است برای معاد و توجه زیاد انسان به دنیا و مظاهر آن باعث غفلت از حقیقت‌های عالم و اصول اعتقادات انسان خواهد شد. لذا غفلت و بی‌توجهی به اعتقادات به‌مرور عامل انکار معاد خواهد شد و حاصل این بی‌توجهی‌ها و غفلت‌ها دور شدن از معنویت و رشد و تکامل انسانی خواهد بود؛ زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه‌ساز نیل آدمی به کمال نهایی و سعادت ابدی است و این خود به نحوی گویای اهمیت ایمان به معاد و لزوم توجه به آن است.

۲-۶. لذت‌طلبی افراطی

اصل لذت‌طلبی نه حرام شرعی است و نه ردیله اخلاقی، آنچه آفت خودسازی و معنویت محسوب می‌شود، لذت‌طلبی افراطی است. غرق شدن بیش‌ازحد بسیاری از مردم در لذت‌های زودگذر و کم‌ارزش دنیوی و غفلت از لذت‌های ارزنده‌تر و ماندگار معنوی یکی از مواردی است که باعث نکوهش لذت‌طلبی افراطی می‌شود. از جمله مسائلی که زمینه توجه انسان را به سمت دنیاگرایی ایجاد می‌کند، جاذبه لذت‌های دنیوی است. آنچه از دنیا مذمت شده، علاقه و وابستگی روحی و قلبی به دنیاست که موجب رکود انسانی می‌شود و او را از هدف اصلی آفرینش باز می‌دارد. البته میل و علاقه به دنیا به صورت یک امر طبیعی نباید مذموم باشد؛ چون این علاقه بر مبنای حکمت و مصلحت الهی در طبیعت انسان نهاده شده است. اگر این میل نبود هیچ پیشرفت و تمدنی شکل نمی‌گرفت. اگر تمدن‌های اسلامی شکل گرفته بر مبنای همین خواسته درونی بوده است.

علاقه به امور دنیا، به زن و فرزند، مال و ثروت و جاه و قدرت، سنت و فطرت الهی است، وسیله چرخش زندگانی این جهان است. اگر این علایق از بشر گرفته شود، اجتماع انسانی مختل شده، می‌خوابد. حرکت زندگی، کمال زندگی و حیات آدمی متوقف بر آن علایق است؛ اما اگر این علاقه تبدیل به هدف شود و به شکل بند و زنجیر درآید، این شکل علاقه از نظر اسلام، مردود است. سرگرم شدن به آن علاقه‌ها و رضایت، قناعت و اکتفا بدان موجب رکود و توقف انسان می‌شود و این مذموم است. اگر به دنیا به‌عنوان هدف نگاه شود این نگاه امراضی روحی - روانی به دنبال می‌آورد و روزه‌های بینایی دل را مسدود می‌کند و صفا و لطافت آن را می‌گیرد امام(ع) فرمودند: «مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ» (کسی که چشم به دنیا بدوزد و با چشم دل به او بنگرد دنیا کورش می‌کند و از پیمودن راه کمال باز می‌دارد) (خطبه/۸۲). همچنین امام علی(ع) فرمودند: «تَعْبُدُوا لِلدُّنْيَا أَى تَعْبُدُوا أَثْرُوهَا أَى إِثَارِهَا» (دنیا را چگونه پرستیدند و چگونه آن را بر خود برگزیدند) (خطبه/۱۵۱). «يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَاهُ» (در این پرستش و عبودیت بر یکدیگر پیش می‌گیرند) (همان). در نتیجه، دچار امراضی می‌شوند؛ از قبیل: «هَمٌّ لَا يُعْبَهُ، وَ حِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ، وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ» (اندوهی رها نشدنی، حرصی جدانشدنی، و آرزویی نایافتنی) (خطبه/۲۲۸).

دنیا و نعمت‌های دنیوی در ذات خود بد نیستند بلکه اگر استفاده افراطی از لذات دنیوی سبب غفلت انسان شود و انسان به آن‌ها اصالت بدهد در آن صورت انسان کار نابجایی کرده است؛ و اگر از آن‌ها در مسیر تعالی و رشد معنوی خود بهره ببرد بسیار پسندیده است.

البته درباره بهره‌مندی از لذات دنیا توجه به این نکته لازم است که: اولاً از نگاه امام علی(ع) از سرزنش دنیا برای مؤمنان منع کرده و استفاده از آن را حلال دانسته و هرگونه تحریم بهره‌مندی آن را مورد نکوهش قرار داده است؛ و ثانیاً به انسان‌ها هشدار نموده است که این نعمت‌های دنیوی را به صورت افراطی مورد استفاده قرار ندهد و از افراط در لذات دنیا اجتناب کنند؛ و ثالثاً فرموده است: از برتری دادن لذت‌های زودگذر دنیا بر لذت‌های آخرت خودداری نمایند.

۲-۷. عطش تشنگان دنیا

امام علی(ع) در خطبه دیگری در مورد حقیقت دنیا و دل نبستن به آن می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ نَصَرَمَتْ وَ آذَنْتْ بِانْقِصَاءِ وَ تَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا وَ أَدْبَرَتْ خَدَّاءَ، فَهِيَ تَخْفِزُ بِالْفَنَاءِ سِكَانَهَا وَ تَخْدُو بِالْمَوْتِ حَيْرَانَهَا وَ قَدْ أَمَرَ فِيهَا مَا كَانَ حُلُومًا وَ كَدِرٌ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْوَاً، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ أَوْ جُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْمَقْلَةِ لَوْ تَمَرَّزَهَا الصَّدْيَانُ لَمْ يَنْفَعُ. فَأَرْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ وَ لَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ» (آگاه باشید که به راستی دنیا رو به فنا و نیستی نهاده و ساکنان خود را به نیستی و نابودی می‌کشاند و همسایگانش را به سوی مرگ می‌رانند؛ پس از این دنیا باقی نمانده است مگر ته‌مانده‌ای، مانند ته‌مانده ظرف آب ریخته شده، یا جرعه‌ای آب که با آن عطش تشنگان دنیا فرو نخواهد نشست. پس چیزی که این ویژگی‌ها را دارد، دل‌بستگی و توجه به آن فایده‌ای ندارد و نباید به آن دل بست و تکیه نمود، چراکه توجه به دنیا حاصل از پندار ثابت و دوام آن است). (خطبه/۵۲) همچنان که خدای سبحان می‌فرماید: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (آنچه نزد شماست نابود شدنی و آنچه نزد خدای سبحان است باقی و ماندنی است) (نحل/۹۶).

طالبان دنیا چنان حرص و طمعی بر آن‌ها حاکم است که تا پایان عمر از مال‌اندوزی خسته نمی‌شوند و چون معتاد به جمع کردن زخارف دنیا شده‌اند هیچ‌گاه سیری نسبت به مال دنیا در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و هرچه سانشان بالا می‌رود، درجه حرص آن‌ها نیز بالا می‌رود و به همان نسبت رهایی از وضع موجود برایشان سخت‌تر می‌گردد.

۲-۸. اشرافی‌گری کارگزاران

در مکتب علوی، شدیدترین برخوردها در زمینه اشرافی‌گری و احقاق حقوق مظلومان، با کارگزاران و مدیران حکومت است. در قاموس حکومت علی(ع)، همواره اصل این است که حق با مردم است و گویی همیشه فرمانداران و کارگزاران حکومتی، متهم و محکومند؛ مگر این که خلافت ثابت شود! زندگی اشرافی کارگزاران و مدیران جامعه از دیگر مواردی است که می‌تواند مقدمه دنیا‌گرایی و از آفات آن باشد. این مسئله یک واقعیت اجتماعی انکارناپذیری است که هم در قرآن و هم در سخنان ائمه: به آن اشاره شده است: آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَتَرَوْا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

مِنْ شَيْءٍ» «و در قیامت همه آن‌ها در برابر خدا ظاهر می‌شوند و در این هنگام یعنی پیروی‌کنندگان نادان رهبران می‌گویند: ما پیروان شما بودیم آیا اکنون که به خاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» (ابراهیم/۲۱) و در سخنان امام علی(ع) نیز در این مورد آمده است که فرمودند: «مردم به امراء و حاکمان شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

امام علی(ع) در دوران حکومت خود، پیرامون دنیاگرایی کارگزاران خویش تذکر داده و در نامه‌ای به عثمان حنیف این چنین فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ، وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ، أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَلَكِنْ أَعْيُونِي يَوْزَع وَ اجْتِهَاد، وَ عَقَّة وَ سَدَاد. فَوَ اللَّهُ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا، وَ لَا ادْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًا، وَ لَا أَعْدَدْتُ لِبَالِي ثُوبِي طَمْرًا وَ لَا حُزْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقُوتِ أَتَانٍ دَبْرَةَ وَ أَلَيْ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَ أَوْهَنُ مِنْ عَقْصَةِ مَقْرَةٍ» (آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم؛ و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است» (نامه/۴۵).

ساده‌زیستی مسئولان و کارگزاران نظام و برخورداری آنان از بیت‌المال در حد متعارف، یکی از نشانه‌های اصلی در حرکت مبتنی بر عدالت‌محوری مسئولان و کارگزاران است. بدیهی است که هر نوع فاصله گرفتن از ساده‌زیستی و برخوردارشدن غیرمتعارف از بیت‌المال و سوگیری به سمت یک زندگی اشرافی توأم با تجمل‌گرایی و عافیت‌طلبی، نتیجه‌ای جز «ذبح عدالت» به‌عنوان اصلی‌ترین شعار انقلاب و نظام اسلامی در پی نخواهد داشت.

شیوع اشرافی‌گری و مصرف‌گرایی و اولویت یافتن رفاه فردی بر رفاه جمعی، از آفات دنیاگرایی بوده و کمرنگ شدن ارزش‌ها را در پی خواهد داشت. به واقع می‌توان از تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی به‌عنوان ام‌الفساد همه ردایل نام برد.

۲-۹. سکر نعمت

خطر مستی و سرمستی ناشی از نعمت که مورد تأکید نهج‌البلاغه است، اختصاصی به زمان یا نعمت خاصی ندارد. از دیگر آفات دنیا و دنیاگرایی، رفاه زیاد و نهایتاً مستی ناشی از امکانات زیاد است. احتمال ابتلا به مستی (سُکَر) و بدمستی (بَطْر) ناشی از نعمت در آخرالزمان و برای ما که در عصر غیبت زندگی می‌کنیم، بیشتر از زمان حضور مستقیم حجت‌های الهی است. امام علی(ع) در سخنان خود نکته‌ای را یاد می‌کند که آن را «سکر نعمت» یعنی مستی ناشی از رفاه می‌نامند که به دنبال خود «بلای انتقال» را می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

امام علی(ع) می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ أَعْرَاضُ بَلَايَا قَدِ افْتَرَيْتُمْ، فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَ اخْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ» (شما ای عرب‌ها، هدف تیرهای بلا هستید که نزدیک است. از مستی‌های نعمت بپرهیزید و از

سختی‌های عذاب الهی بترسید و بگریزید) (خطبه/۱۵۱). هم‌چنین درجایی دیگر، آینده وخیمی را برای مسلمین پیش‌گویی می‌کند، می‌فرماید: «ذَٰكَ حَيْثُ تَشْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النَّعْمَةِ وَ النَّعِيمِ» (آن هنگامی است که شما مست می‌گردید، اما نه از باده بلکه از نعمت و رفاه) (خطبه/۱۸۵). آری سرازیر شدن نعمت‌های بی‌حساب به‌سوی جهان اسلام و تقسیم غیرعادلانه ثروت و تبعیض‌های ناروا، جامعه اسلامی را دچار بیماری مزمن «دنیازدگی» و «رفاه‌زدگی» خواهد کرد (همان: ۲۷۴).

آنچه درباره مستی نعمت گفته شده، یک قاعده کلی است؛ یعنی ممکن است درباره هر نعمتی صدق کند؛ اما در روایات بر مستی ناشی از چند نعمت خاص که بیشتر و خطرناک‌تر است، تأکید شده است. از میان همه آن روایات، به حدیثی از امام علی(ع) اکتفا می‌کنیم که فرمود: «يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ، وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ، وَ سُكْرِ الْعِلْمِ، وَ سُكْرِ الْمَدْحِ، وَ سُكْرِ الشَّبَابِ، فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحاً حَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ»؛ سزاوار است که خردمند از مستی ثروت و مستی قدرت و مستی دانش و مستی ستایش و مستی جوانی پرهیز کند؛ زیرا هر یک از این مستی‌ها بوهای پلیدی دارد که عقل را می‌رباید و وقار را از بین می‌برد (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵۵).

«تَسْلُبُ الْعَقْلَ»؛ یعنی مست می‌کند، و «تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ»؛ یعنی سرمستی می‌آورد و انسان کارهایی خواهد کرد که او را سبک و خوار می‌سازد.

نمونه تاریخی سرمستان از مال، قارون است که به‌جای استفاده صحیح از ثروت، سرمست از آن شد و بر خلق خدا ستم کرد. فرح و شادی‌ای که قارون دچار آن شده بود همان بَطَر و سرمستی ناشی از مال بود. نمونه بارز سرمستان قدرت نیز فرعون است که دچار غرور و تکبر شد، به مردم ستم کرد و ادعای خدایی نیز داشت: ﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾؛ ولی فرعون تکذیب نمود و عصیان کرد. سپس پشت کرد و به کوشش برخاست، و گروهی را فراهم آورد و ندا درداد و گفت: پروردگار بزرگ‌تر شما منم!

خداوند او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد. این ماجرا اختصاصی به فرعون ندارد؛ همان‌گونه که جریان قارون نیز یک قاعده کلی است.

دانش نیز مستی آور است، مانند بلعم باعورا که دعایش در پیشگاه خدا به اجابت می‌رسید، ولی بر اثر تمایل به فرعون و وعد و وعیدهای او از راه حق منحرف شد و همه مقامات معنوی خود را از دست داد. چاپلوسی، تملق و تعریف بیش‌ازاندازه، نیز از نشانه‌های نفاق است. پس نباید به تمجیدهای شیرین، اما دروغ‌دل بست و خود را گم کرد؛ که این آغاز مستی و سرمستی و نهایتاً بدبختی است. امام علی(ع) فرمود: «كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَ مَعْرُورٍ بِالسُّتْرِ عَلَيْهِ، وَ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ ...» (چه بسا کسی که با نعمت‌هایی که به او رسیده، به دام افتد و با پرده‌پوشی بر گناه، فریب خورد و با ستایش شدن، آزمایش گردد) (خطبه/۱۱۶).

جوانی نیز از جمله نعمت‌هایی است که معمولاً انسان را دچار مستی و غفلت می‌کند.

علت این که امام علی(ع) با «رفاه‌زدگی» و «دنیازدگی» به مبارزه برمی‌خیزد و تلاش می‌کند تا جامعه رفاه‌زده زمان خود را از عواقب و آفات دنیازدگی آگاه کند، این است که دنیا و صفات فریبنده آن مانع از این است که انسان به معنویات توجه کند؛ زیرا دنیا با تمام فریبندگی‌هایش مانع نیل آدمی به کمال می‌شود.

۲-۱۰. لذت‌های کشنده دنیوی

امام علی(ع) درباره شناخت آفات دنیا و لذات زودگذر و کشنده آن می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُّ فِيهِ الْمَنَآيَا، مَعَ كُلِّ جَزَعَةٍ شَرْقٌ وَ فِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ، لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقِ أُخْرَى» (ای مردم، شما در این دنیا، به‌مثابه آماج هستید و مرگ‌ها تیرهای خود را به‌سوی شما می‌افکنند. هر جرعه‌ای که می‌نوشید آب در گلویتان می‌چهد؛ و هر لقمه‌ای، که می‌بلعید، گلوگیرتان می‌شود. از هیچ نعمتی بهره نمی‌یابید، مگر آن که، نعمتی دیگر را از دست می‌دهید) (خطبه/۱۴۵).

از دیگر مسائلی که زمینه‌گرایش انسان‌ها به سمت دنیابپرستی را فراهم می‌کند جاذبه لذت‌های دنیوی است. در این بخش از خطبه امام(ع) به ناپایداری دنیا و آفت‌هایی که از هر سو انسان را تهدید می‌کند اشاره می‌فرماید. به تضاد مواهب مادی دنیا اشاره کرده، می‌فرماید: آن‌ها قابل جمع نیستند، انسان به یکی می‌رسد، از دیگری جدا می‌شود، مثلاً از نعمت فرزند محروم است، خدا فرزندان به او می‌دهد ولی فرزندان آسایش او را سلب می‌کنند؛ و یا این که فقیر است و مالی ندارد و سخت در زحمت است، خداوند اموالی به او می‌بخشد اما حفظ و مدیریت اموال، مجالی برای استراحت او نمی‌دهد. مرکب ندارد، گرفتار مشکلات است، ولی با پیدا کردن مرکب، انواع هزینه‌ها و مشکلات نگهداری و امثال آن دامن او را می‌گیرد و به همین ترتیب هر نعمتی را به چنگ می‌آورد، نعمتی را از دست می‌دهد؛ و به گفته حافظ:

«شکوه تاج سلطانی که بیم جان در آن درج است کلاهی دلکش است اما به دردر نمی‌آرزد»

با توجه به این که انسان طبیعتاً موجودی است که نسبت به مظاهر زیبای دنیا حریص است و در صورتی که امکان بهره‌برداری از لذایذ مادی برایش فراهم شود کنترل خود را از دست داده و راه افراط را در پیش می‌گیرد، با توجه به این پیامد خطرناک که مانع راه رشد و کمال انسان در نیل به معنویت است، خداوند بارها در قرآن مجید این مسئله را یادآور نموده و جلوه‌گری و فریبندگی مظاهر دنیا را هم به پیامبر اکرم(ص) و هم به مؤمنان متذکر شده است. در نهج‌البلاغه نیز امام(ع) به کرات به زودگذر بودن دنیا اشاره نموده، بنابراین دنیا دارای لذاتی زودگذر است که این لذات از بین برنده عمر انسان‌ها و آفت معنویت انسان است.

۲-۱۱. نیرنگ‌بازی دنیا

دنیا سرشار از نیرنگ‌های بسیاری است که در حقیقت خودش صاحب یک شهر بزرگ و دنیای دیگری است. دنیایی که انواعی از نیرنگ‌های مختلف امروز را در خود جای داده است.

از دیگر آفت‌های دنیا و دنیاگرایی نیرنگ‌بازی دنیاست. امام علی(ع) در فراز دیگری از خطبه‌هایش درباره حقیقت دنیا می‌فرماید: «دنیا خانه‌ای است پوشیده از بلاها، به حیله و نیرنگ شناخته‌شده، نه حالات آن پایدار و نه مردم آن از سلامت برخوردارند. دارای تحولات گوناگون و دوران‌های رنگارنگ، زندگی در آن نکوهیده و امنیت در آن نابود است. اهل دنیا همواره هدف تیرهای بلا هستند که با تیرهایش آن‌ها را

می‌کوبید و با مرگ آن‌ها را نابود می‌کند». (خطبه/۲۲۶) امام علی(ع) در این بخش از خطبه از ناپایداری و بی‌وفایی دنیا سخن می‌گوید و می‌فرماید: «دنیا سرایی است که در لابه‌لای بلاها و مشکلات پیچیده شده و به غدر و نیرنگ و بی‌وفایی معروف است: حالاتش یکنواخت نمی‌ماند و ساکنانش سالم و در امان نیستند» (همان)

جمله «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ» اشاره‌گویی است به غدر و بی‌وفایی دنیا، ممکن است اشاره به اهل آن باشد که غالباً بی‌وفا هستند. هنگامی که دنیا به انسان رو می‌کند دوست‌دار و مخلصند و هرگاه پشت کرد گویی هرگز آشنا نبودند. یا اشاره به بی‌وفایی مواهب دنیوی است درحالی که انسان کاملاً سالم و سرحال است و تصور می‌کند سال‌ها این وضع ادامه می‌یابد. آری! به گفته شاعر:

«آن مادری که این همه فرزند زاد و کشت
دیگر که چشم دارد از او مهر مادری»

(مکارم، ۱۳۸۶: ۷/۴۳۵)

یک روز قارون با تمام زر و زیور و خدم و حشم و دم‌ودستگاه خود در میان بنی‌اسرائیل ظاهر می‌شود و با تمام قدرت و ثروتش از برابر چشمان آن‌ها رژه می‌رود، آن‌چنان که گویی در دل دنیاپرستان بنی‌اسرائیل، قند آب می‌شود و فریاد ﴿يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾ (قصص/۷۹) سر می‌دهند. فردای آن روز که با یک زلزله آمیخته با «خسف» زمین، قارون و تمام اموال و ثروتش را در کام خود فرو می‌برد آن دنیاپرستان دیروز در وحشت فرو می‌روند و این سخن را می‌گویند: ﴿لَوْلَا أَنَّمْنِ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا﴾ اگر خدا بر ما منت نهاده بود ما را نیز به قعر زمین فرو می‌برد (و به سرنوشت قارون گرفتار می‌شدیم) (قصص/۸۲) در عصر و زمان ما نه تنها این‌گونه حوادث کم نیست، بلکه دامنه وسیع‌تر و گسترده‌تری پیدا کرده و صحنه‌هایی که همه روزه با چشم خود ناظر آن هستیم.

۲-۱۲. روش برخورد با دنیا

امام علی(ع) در خطبه دیگری درباره ماهیت و روش برخورد با دنیا می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَ لَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَتْ لَهَا، ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً» (آگاه باشید دنیا خانه‌ای است که کسی در آن ایمنی ندارد جز آن که به جمع‌آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی‌یابد. مردم به‌وسیله دنیا آزمایش می‌شوند) (خطبه/۶۳).

علامه جعفری، در شرح و تفسیر این خطبه آورده است: «توقع‌رهایی از مختصات زندگی دنیوی همان مقدار نابعاست که کسی توقع داشته باشد در آب بیافتد ولی خیس نشود. (جعفری، ۱۳۶۲: ۱۲۶/۱۳) از جملات بالا چند مطلب بسیار مهم را می‌توان دریافت که به‌قرار زیر است: باید از این دنیا روی برتافت که دیر یا زود از شما روی‌گردان خواهد شد. منظور این نیست که در ارتباط با دنیا سست و بی‌خیال باشیم بلکه با آن جدی برخورد کرده و در تکاپو بود؛ و نه این که از دنیا قهر کنیم بلکه باید با آن آشتی کرد.

۲-۱۳. حرص و آزمندی

امام علی(ع) در یکی از نامه‌های خود به معاویه، او را نسبت به دنیاپرستی هشدار می‌دهد و آن را عاملی می‌داند که موجب حرص و آز و انحراف جمعی شده است. دنیاپرستان چیزی از دنیا به‌دست نمی‌آورند، جز

آن که دری از حرص به روی‌شان گشوده می‌شود و آتش علاقه آنان تندتر می‌گردد. کسی که به دنیا برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی‌نیاز نمی‌شود؛ بنابراین دنیازدگی انسان را از پیمودن راه کمال و آبادانی جهان آخرت که دار بقا و سرای جاودان است باز می‌دارد؛ و همین مانع تربیت معنوی انسان خواهد بود.

امام علی(ع) برای نکوهش و تحقیر دنیا، تصویر بسیار وحشتناکی را از دنیا برای شریح قاضی ارائه می‌دهد. امام علی(ع) او را احضار نمود و فرمود: «بَلَّغْنِي أَنَّكَ ابْتِغَتْ دَارًا بِمَمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتُ فِيهِ شُهُودًا؛ فَقَالَ لَهُ شُرَيْحٌ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» (شنیده‌ام خانه‌ای خریده‌ای به هشتاد دینار و برای آن قبالة نوشته‌ای و چند تن را هم به شهادت گرفته‌ای. شریح گفت: چنین است یا امیرالمؤمنین. علی(ع) به خشم در او نظر کرد، سپس فرمود) (نامه/۳). «فَانظُرْ يَا شُرَيْحُ لَا تَكُونُ ابْتِغَتْ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتُ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَالِكَ؛ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ» (ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای؛ اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سندی می‌نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیش‌تر، رغبت نمی‌کردی) (همان).

اگر کسی بیشتر توجه‌اش به امور دنیا باشد، دائماً خودش را در فقر می‌بیند و چنین کسی مدام چشمش به چیزهایی است که ندارد و می‌خواهد آن‌ها را کسب کند، این است که دائماً خودش را نیازمند می‌بیند که حاصل آن آزمندی و در نتیجه دور شده از معنویت.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله آمده نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. به‌منظور پیش‌گیری از دنیاگرایی و آفت‌های خطرناک آن، تبیین دیدگاه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه راجع به لزوم تربیت معنوی از موضوعات مهمی است که باید موردتوجه افراد و خانواده‌ها قرار بگیرد.
۲. در نهج‌البلاغه برای اصول تربیت صحیح معنوی، موانع اساسی و بسیار خطرناک وجود دارد که یکی از آن‌ها دنیاگرایی است. از نتایج مهم این پژوهش این است که لذت‌طلبی افراطی، عطش تشنگان دنیا، اشرافی‌گری کارگزاران، سکر نعمت، لذت‌های کشنده دنیوی، نیرنگ‌بازی دنیا، روش برخورد با دنیا، حرص و آزمندی انسان، همگی از آفت‌های دنیا و دنیاگرایی است که در کلام امام علی(ع) مورد نکوهش قرار گرفته است.
۳. اصل محنت‌ها حبّ دنیاست و آن برای کسانی است که به دنیا دلبستگی دارند. وقتی تعلق به دنیا نباشد ناراحتی هم پیدا نمی‌شود و بیماری‌ها و محنت‌ها هم به دنبالش پیش نمی‌آید.
۴. همان‌طور که دنیاگرایی، مؤثرترین آفت جامعه عصر امام علی(ع) بوده است، جامعه معاصر مسلمانان خصوصاً کارگزاران حکومتی نیز از این آفت خطرناک مستثنا نبوده و تربیت معنوی آن‌ها را مورد تهدید قرار داده است.

۵. شیوع اشرافی‌گری و اولویت یافتن رفاه فردی بر رفاه جمعی، کم‌رنگ شدن معنویت و ارزش‌ها را در پی خواهد داشت. به‌واقع می‌توان از تجمل‌گرایی به‌عنوان ام‌الفساد همه‌رذایل نام برد.
۶. ساده‌زیستی مسئولان و کارگزاران نظام و برخورداری آنان از بیت‌المال در حد متعارف، یکی از نشانه‌های اصلی در حرکت مبتنی بر "عدالت محوری" مسئولان و کارگزاران است.
۷. استفاده از لذت‌های دنیا فی‌نفسه مذموم نیست، بلکه استفاده افراطی که موجب آفت معنویت می‌شود مورد نکوهش قرار گرفته است.
۸. هر نوع فاصله گرفتن از ساده‌زیستی و برخوردارشدن غیرمتعارف از بیت‌المال و سوگیری به سمت زندگی اشرافی توأم با تجمل‌گرایی و عافیت‌طلبی، نتیجه‌ای جز «ذبح عدالت» به‌عنوان اصلی‌ترین شعار یک نظام اسلامی در پی نخواهد داشت.
۹. از آفات دنیاگرایی فراموشی ارزش‌های انسانی است، چراکه انسان برای کسب امکانات و رفاه بیشتر به پایمال کردن حقوق دیگران دست خواهد زد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، جلد ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو؛ حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی»، **دوفصلنامه تربیت اسلامی**. شماره ۵، ۱۱۲-۸۹.
- آمدی، ابوالفتح. (۱۴۱۰ ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- باندورا، آلبرت. (۱۳۷۲). **نظریه یادگیری اجتماعی ترجمه فرهاد ماهر**. تهران: راه‌گشا.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۲). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**. جلد ۱۳. تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- ----- (۱۳۷۸). **تعلیم و تربیت**. چاپ اول. تهران: پیام آزادی.
- حرانی، ابومحمد حسن بن علی. (۱۳۶۲). **تحف العقول**. ترجمه محمدصادق حسن‌زاده. تهران: نشر آل علی (ع).
- خدایاری‌فرد، محمد. (۱۳۸۱). **مسائل دوران کودکی و نوجوانی**. تهران: انتشارات سیس‌ترون.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۸). **ترجمه نهج البلاغه**. چاپ ششم. قم: انتشارات محمد و آل محمد.
- سلحشوری، احمد. (۱۳۹۰). «حدود و ثغور تربیت اخلاقی. تربیت معنوی و تربیت دینی». **فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**. سال دوم شماره ۲، ۶۱-۴۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). **المیزان فی تفسیر القرآن**، جلد ۱۰، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۰). **اخلاق ناصری**. تصحیح و توضیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری. تهران: چاپ خوارزمی.
- ----- (بی‌تا). **التبیین فی تفسیر القرآن**، جلد ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلی و نوری‌مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). «هوش معنوی». **فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی**. شماره ۱، ۷۸-۹۶.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (۱۳۵۲). **احیاء علوم الدین**. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیانی، معصومه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده، علیرضا و نوذری، محمود. (۱۳۹۴). «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی». **فصلنامه تعلیم و تربیت**. شماره ۱۲۶، ۳۱-۹.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). **سیری در نهج البلاغه**، چاپ بیست و ششم. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان. (۱۳۸۶). **پیام امام امیرالمومنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- میرعرب، فرج‌الله. (۱۳۹۲). **تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی**. قم: بوستان کتاب.
- یدله‌هی‌فر، محمدجواد؛ فقیه‌هی، علیرضا؛ سیفی، محمد؛ یوسف‌زاده، محمدرضا؛ ناطقی، فائزه. (۱۳۹۷). «اهداف و اصول تربیت معنوی براساس آموزه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**، شماره ۲۴. ۱۲۰-۱۰۵.
- Cully, I. (1984). **Education for Spiritual Growth**. San Francisco: Harper & Row.
- Hill, B. V. (1990) . "A time to search:spiritual drvelopment in the classroom", **Christian Education**, No. 36, 5-22.
- Vaughan, F. (1991). "Spiritual issue in psychotherapy", **Journal of transpersonal psychology**, 23, 105-119.